

حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD) نباید عادی سازی شود / گفتگو با یک آنتی فاشیست آلمانی/

برگردان: هوش مصنوعی، بازبینی مجدد واکاوی سوسیالیستی

گفتگوی گابی انگل هارت، ضد فاشیست و سوسیالیست، با توم تنگلی- اوانز درباره چرایی رشد و گسترش حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD).

حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD) در ابتدا به عنوان ترکیبی از فاشیست‌ها، نژادپرستان و محافظه‌کاران سنتی تشکیل شد. امروز این حزب چه وضعیتی دارد؟

درست است، AfD در ابتدا، در سال ۲۰۱۳، ترکیبی از فاشیست‌ها، محافظه‌کاران راست‌گرا و نئولیبرال‌ها بود. اما از سال ۲۰۱۵ به بعد، رهبران عمدتاً اروپاستیز جایگزین شدند و برنامه نژادپرستانه حزب بیش‌تر آشکار شد. از آن زمان، AfD به شدت به سمت راست متمایل شده است.

بیورن هوکه فاشیست که رهبر AfD در تورینگن است، جناح فاشیستی درون حزب را هدایت می‌کند. او در کنفرانس AfD در سال ۲۰۲۲ در ریزا پیروز شد. آلیس وایدل، که یکی از روسای مشترک حزب است، قبلاً می‌خواست هوکه را اخراج کند اما اکنون با او همراه است. هنوز هم برخی اختلافات بین آن‌ها وجود دارد به‌طور نمونه پیرامون مخالفت AfD با جنگ در اوکراین، خروج از اتحادیه اروپا یا مسائل مربوط به بازنشستگی.

اما نئولیبرال‌ها در مقابل هسته فاشیستی حزب نمی‌توانند چیزی بدست آورند. فاشیست‌ها آشکارا سیاست حزب را تعیین و لحن آن را تنظیم می‌کنند. موفقیت‌های انتخاباتی در شرق آلمان، به‌ویژه در تورینگن و زاکسن، هر گونه مخالفت با خط مشی هوکه را در نطفه خفه کرده است. AfD هنوز یک حزب تمام‌عیار فاشیستی نیست اما درکل یک حزب فاشیستی است.

AfD چقدر گسترش پیدا کرده و سازمان‌یابی آن چه‌گونه است؟

حزب AfD حدود ۴۸'۰۰۰ عضو دارد که بسیاری از آن‌ها در چند ماه اخیر به آن پیوسته‌اند و انتظار می‌رود که طی چند هفته آینده این رقم به ۵۰'۰۰۰ عضو برسد. این حزب ۷۷ نماینده در پارلمان فدرال، بوندستاگ، و ۲۷۵ نماینده در پارلمان‌های ایالتی سراسر آلمان دارد. فقط نمایندگان بوندستاگ بیش از ۱۰۰ نازی و فعالان راست افراطی را به‌عنوان کارکنان پارلمانی استخدام کرده‌اند. این امر به نازی‌ها منابع مالی می‌دهد و دسترسی به اطلاعات محرمانه را برایشان فراهم می‌کند.

AfD اکنون در تقریباً تمام پارلمان‌های محلی، حداقل در شرق آلمان، نماینده دارد. این حزب شاخه‌ها و نشست‌های محلی دارد و در طول کمپین‌های انتخاباتی تقریباً هر روز غرفه‌های کتاب برگزار می‌کرد. شاخه‌های تورینگن و زاکسن، که توسط فاشیست‌ها رهبری می‌شوند، از افراطی‌ترین بخش‌های حزب هستند و تعداد زیادی از نازی‌ها را در صفوف خود دارند. به‌عنوان مثال، آرتور اوسترله، که در تظاهرات فاشیستی کمیتس در سال ۲۰۱۸ نقش برجسته‌ای داشت، اکنون نماینده AfD در پارلمان زاکسن است.

در جامعه، یک قطبی‌سازی شدید بین نیروهای فاشیست و ضد فاشیست در جریان است. نمایندگان AfD با نازی‌های علنی و مارتین سلنر از راست‌گرایان آلمان ملاقات کردند و درباره اخراج‌های جمعی بحث کردند. وقتی این موضوع فاش شد، صدها هزار نفر به خیابان‌ها آمدند. با این حال، AfD توانست افراد بیشتری را سازماندهی کند.

آیا AfD با اراذل و اوباش خیابانی فاشیست رابطه دارد؟

حزب AfD به‌عنوان بازوی پارلمانی تروریسم راست‌گرا عمل می‌کند و نازی‌ها را تشویق و تقویت می‌کند تا در خیابان‌ها به مهاجران حمله کنند. تظاهرات نژادپرستانه و فاشیستی در کمیتس در سال ۲۰۱۸ نقطه عطف آن بود؛ برای اولین بار AfD به‌طور علنی با نازی‌ها هم‌قدم شد و از آن زمان به بعد در تظاهرات هفتگی بسیاری از شهرها شرکت کرده است.

موضوعات تظاهرات مدام تغییر می‌کند؛ گاهی در مورد کووید، بحران انرژی یا جنگ اوکراین است و تعداد شرکت‌کنندگان متفاوت است، اما هدف اصلی ایجاد یک جنبش خیابانی فاشیستی است. AfD بر حمله به پناهجویان، مسلمانان و افراد LGBTQ+ [مخفف انگلیسی برای همجنس‌گرایان و کوئیرها] با سخنرانی‌های نژادپرستانه و همجنس‌گراستیز در پارلمان‌ها تمرکز کرده است.

در شهر باؤتسن در زاکسن، حدود ۷۰۰ نازی قصد حمله به راهپیمایی کوئیرها را داشتند. این تظاهرات (کریستوفر استریت دی) که حدود ۱۰۰۰ نفر در آن شرکت کرده بودند. به‌دلیل تهدید نازی‌ها، برگزارکنندگان مجبور شدند جشن پس از مراسم را لغو کنند. در لایپزیگ نیز نازی‌ها دوباره سعی کردند به تجمعات حمله کنند، اما با بسیج ضد فاشیست‌ها متوقف شدند.

در نیمه اول سال جاری، حملات زیادی به پناهجویان رخ داد، از جمله ۴۱ حمله در زاکسن و ۳۵ حمله در تورینگن. در برخی از روستاها و شهرهای کوچک، AfD در انتخابات منطقه‌ای ۴۰ تا ۵۰

درصد آرا را کسب کرده و در این مکان‌ها یک جنبش در حال رشد است، به‌ویژه میان جوانان که گروه‌های نازی تشکیل داده و به رنگین‌پوستان، مسلمانان، افراد دگرباش و چپ‌گراها حمله می‌کنند.

پس از قتل سه نفر در زولینگن توسط یک پناهجو، AfD احساس کرد که از حقانیت بیشتری برخوردار است و فشارها و آزار و اذیت‌ها علیه پناهجویان را افزایش داد. انتظار می‌رود پس از انتخابات منطقه‌ای در براندنبورگ در پایان سپتامبر، حملات بیشتری صورت گیرد.

چه نقشی دولت ائتلافی از حزب سوسیال دموکرات آلمان، سبزها و لیبرال‌های آزاد در این امر ایفاء کرده است؟

نارضایتی زیادی از دولت ائتلافی وجود دارد. این ائتلاف نتوانسته است فشارهای اجتماعی را کاهش دهد و جرأت افزایش مالیات بر ثروتمندان را هم ندارد و به‌جای آن در حال تدارک کاهش سطح زندگی است. در عین‌حال، پس از حمله روسیه به اوکراین، بودجه‌ای به ارزش ۸۴ میلیارد پوند برای تسلیحات به علاوه هزینه‌های سالانه نظامی به تصویب رساند.

پس از حملات با چاقو در زولینگن، تمام احزاب به جز حزب چپ خواستار سخت‌تر کردن قوانین پناهندگی شدند. با توجه به نژادپرستی موجود، امیدوار بودند که آراء رای‌دهندگان به AfD را کسب کنند اما افراد به نسخه تقلیدی رأی نمی‌دهند، بلکه به نسخه اصلی رأی می‌دهند.

هیچ حرکت واقعی در خیابان‌ها وجود ندارد زیرا رهبران اتحادیه‌های کارگری نمی‌خواهند به دولت تحت رهبری SPD حمله کنند. آن‌ها به جنگ و مشکلات اجتماعی نپرداخته‌اند که با تورم همراه است. در عین‌حال، ۲۵ درصد از اعضای اتحادیه‌های کارگری به AfD رأی می‌دهند! برخی از اتحادیه‌ها به این موضوع نمی‌پردازند و می‌گویند: «ما اتحادیه‌ای برای همه اعضای خود هستیم». اتحادیه‌ها سعی می‌کنند به مسائل اجتماعی و اقتصادی بدون مواجهه مستقیم با نژادپرستی و فاشیسم بپردازند.

پشتیبانی از آن دسته از اعضای اتحادیه‌های کارگری که آماده‌اند با AfD و نازی‌ها در محل‌های کار مقابله کنند، وظیفه‌ی بسیار بزرگی است.

چرا AfD به‌ویژه در شرق آلمان در حال رشد است؟

رشد حزب AfD در شرق آلمان ریشه در وقایعی دارد که پس از سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ رخ داد.

پس از سقوط رژیم استالینیستی در آلمان شرقی، امیدهای زیادی داشتیم. اما تمام صحبت‌ها درباره چشم‌انداز پیرامون رشد و شکوفایی پس از اتحاد مجدد آلمان در سال ۱۹۹۰ تحقق نیافت.

در عوض، آنچه نصیب ما شد، صنعتی‌زدایی و بیکاری گسترده‌ای بود که حدود ۲۰ درصد را شامل می‌شد. در اوایل دهه ۱۹۹۰ تظاهراتی علیه صنعتی‌زدایی و برای تأمین اجتماعی برگزار شد، اما دولت از نژادپرستی استفاده کرد تا این اعتراضات را تضعیف کند.

دولت محافظه‌کار CDU اعلام کرد: «کشتی پر است، بنابراین نمی‌توانیم پناهندگان بیشتری را از کشورهای اروپای شرقی بپذیریم».

آن‌ها می‌خواستند خشم مردم را به سمت مهاجران هدایت کنند. این نژادپرستی در خاک حاصلخیزی رشد کرد، زیرا در آلمان شرقی سابق، رژیم استالینیستی با کارگران قراردادی از ویتنام، موزامبیک یا کوبا به‌خوبی رفتار نمی‌کرد.

این کارگران اولین کسانی بودند که از کارخانه‌ها اخراج شدند و بدون شغل، هیچ جایی برای زندگی یا تأمین اجتماعی نداشتند. رژیم سعی کرد آن‌ها را مسئول بحران اقتصادی و کمبودها معرفی کند.

در دهه ۱۹۹۰ حملات وحشیانه‌ای علیه مهاجران صورت گرفت. در دورانی که آن را «سال‌های چوب بیسبال» می‌نامیدیم، نازی‌ها شروع به قدرت گرفتن کردند و ما مجبور شدیم تظاهراتی علیه آن‌ها سازماندهی کنیم.

در دهه ۲۰۰۰، حزب سوسیال دموکرات (SPD) که گرایش‌های لیبرال‌تری داشت، برنامه‌ای به نام آگندا ۲۰۰۰ را معرفی کرد که شامل یک بسته «اصلاحات» نئولیبرال برای کاهش دستمزدها و مزایا بود.

این اقدامات در شرایطی اعمال شد که نرخ بیکاری به ۲۰ درصد رسیده بود و تأثیرات ویران‌گری برجای گذاشت. وقتی کارگران اخراج می‌شدند، مجبور بودند تمام پس‌اندازهای خود را خرج کنند تا بتوانند پس از آن تقاضای حقوق بیکاری را بدهند. بسیاری حتی خانه‌های خود را از دست می‌دادند یا مجبور می‌شدند ماشین‌هایشان را بفروشند.

در حالی‌که ثروتمندان ثروتمندتر می‌شدند، هزینه‌های زیرساخت‌ها به‌شدت کاهش یافت.

در مناطق روستایی هیچ اتوبوس، بیمارستان یا مغازه‌ای وجود ندارد؛ وضعیت زیرساخت‌ها بسیار وحشتناک است. در شرق شرایط بدتر است، اما در غرب هم خوب نیست.

چرا چپ نتوانست از این وضعیت برای رشد و گسترش خود استفاده کند؟

در اوایل دهه ۲۰۰۰ اعتراضات گسترده‌ای علیه این اصلاحات، عمدتاً در آلمان شرقی سابق، صورت گرفت که چپ‌ها در آن اعتراضات تأثیرگذار بودند و نقش داشتند. حزب چپ از این جنبش در سال ۲۰۰۷ شکل گرفت و ابتدا جایگاه خود را پیدا کرد. این حزب در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۹ تقریباً ۱۲ درصد آرا را کسب کرد.

در آغاز، حزب چپ نماد امیدها و آرزوهای مردم برای تغییر بود و موضعی ضد جنگ داشت.

اما برخی از افراد در حزب چپ دچار توهم شدند که می‌توانند دولت را تشکیل دهند. در برلین، حزب چپ از قبل با حزب سوسیال دموکرات (SPD) در دولت بود. این حزب در مناطقی که در دولت ایالتی مشارکت داشت نیز موضعی مانند یک دولت اتخاذ کرد. هر جا که با SPD در سطح ایالتی ائتلاف کرد، مانند یک دولت معمولی آلمان عمل کرد و باعث ناامیدی رأی‌دهندگان شد.

در دوران کرونا، حزب چپ واقعاً مبارزه‌ای برای مقابله با بستن کارخانه‌ها و مغازه‌ها و نجات جان‌ها انجام نداد. بسیاری از مردم شروع به این باور کردند که حزب چپ دیگر در کنار آن‌ها نیست.

در مورد جنگ اوکراین هم موضع روشنی نداشت و این به حزب AfD اجازه داد تا خلأ را پر کرده و خود را به‌عنوان تنها حزب ضد جنگ و تنها مخالف واقعی سیاست‌های دولت نشان دهد.

چه‌گونه می‌توانیم جلوی فاشیست‌ها را بگیریم؟

برخی افراد استدلال می‌کنند که چون حزب AfD به‌طور دموکراتیک انتخاب شده است، باید حقوق دموکراتیک به آن‌ها داده شود. آن‌ها فکر می‌کنند وقتی AfD به موقعیت‌های پارلمانی دست یابد، یا بی‌فایده بودن خود را نشان خواهد داد یا به سیاستمدارانی محترم تبدیل خواهد شد.

این استدلال خطرناک است و تکرار اشتباهات دهه ۱۹۳۰ و صعود نازی‌ها را به یاد می‌آورد. فرایند دموکراتیک فاشیست‌ها را دموکراتیک نمی‌کند.

ما نباید اجازه دهیم AfD به‌عنوان یک حزب عادی پذیرفته شود. باید نقاب بورژوازی آن‌ها را کنار بزنیم تا چهره فاشیستی‌شان را آشکار کنیم.

در این مبارزه نمی‌توانیم به دولت تکیه کنیم - باید یک جنبش مردمی علیه فاشیست‌ها برپا کنیم و در خیابان‌ها با آن‌ها مقابله و آن‌ها را متوقف کنیم.

ضد فاشیست‌ها به خیابان‌ها آمده‌اند و موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند. برای مثال، در ینا، ۲۰۰۰ نفر جلسه AfD را مسدود کرده و مانع سخنرانی هوکه شدند - این یک موفقیت بزرگ بود.

ما با گروه Aufstehen Gegen Rassismus (برخیز علیه نژادپرستی) همکاری می‌کنیم و علیه AfD بسیج می‌شویم. در ماه ژوئن، یک تظاهرات و محاصره بزرگ در کنفرانس AfD در اسن برگزار شد - و قصد داریم کنفرانس بعدی در بهار را هم مسدود کنیم.

هم‌اکنون گروه‌های زیادی با هم همکاری می‌کنند و من فکر می‌کنم مردم متوجه شده‌اند که باید کاری انجام دهیم.

منبع:

<https://socialistworker.co.uk/anti-racism/we-must-not-normalise-the-afd-interview-with-german-anti-fascist/>